

یادداشت یک

در دولت بعد، ورزش شایسته‌سالاری می‌خواهد



بیژن ذوالفقارنسب

● اصلی‌ترین شرط حیات هر فرد در یک جامعه و نظام دموکراتیک شرکت در انتخابات است. به نظر من همه آدم‌های متعهد در انتخابات شرکت می‌کنند چرا که همه قصد دارند به صورت گسترده در آینده خود نقش کلیدی بازی کنند. هر چه میزان مشارکت عمومی در انتخابات بیشتر باشد، نمایانگر علاقه‌مندی مردم به وضعیت سیاست‌گذاری‌های جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند و فکر می‌کنم در برهه‌ای هستیم که این تعهد برای ساختن فردایی بهتر از امروز، بیش از همیشه احساس می‌شود. در این هشت‌سال، کشور ما دستخوش مشکلات عدیده‌ای در اقتصاد و سیاست خارجی بود و در جوامع بین‌المللی به دلیل تحریم‌های گوناگون هیچ‌گونه اثرگذاری نداشته‌یم. در حال حاضر هم رویکرد جهان به ما رویکرد مناسب و جالبی نیست و من هم مثل هر ایرانی که پای صندوق رای می‌رود، امیدوارم رئیس‌جمهور بعدی و منتخب مردم، کسی باشد که در این دو حوزه خاص صاحب برنامه دقیق و کارگروه‌های منظم باشد تا منافع عمومی آحاد جامعه تأمین شود.

اما در حوزه ورزش که حوزه تخصصی من است، از رئیس‌جمهور آینده توقعات بیشتری دارم که مهم‌ترین و اولین آن، ایجاد بسترهای لازم برای شایسته‌سالاری است. بعد از سی‌واندی سال انقلاب بزرگ مردم ایران، دیگر زمان آن رسیده که شایسته‌سالاری در ورزش حرف اول را بزند نه توجه صرف به آدم‌های «ارزشی». مشاهدات من در این سال‌ها نشان داده که تمرکز مسئولان بر مقوله «ارزشی‌بودن» افراد باعث شده که بعضی‌ها در عرض یک هفته در ظاهر به‌گونه‌ای تغییر کنند که مناسب چنین ژوژهای باشد بلکه از این راه پست‌ها و مقام‌هایی را از آن خود کنند حال اما دیگر این واژه رنگ‌باخته و نیاز است که به‌جای آن شایسته‌سالاری مدنظر مسئولان قرار بگیرد و این‌ موضوع جز با انتخاب اصالح و انتخاب کسی که در پی ایجاد همین مفهوم است قابلیت اجرایی ندارد.

یادداشت دو

چرا باید به «روحانی» رای بدهیم



داریوش معمار

● در این مقطع خاص زمانی، حضور اقشار مطلع جامعه به صورت ترویجی و عملی به نفع اجماع اصلاح‌طلبان و حسن روحانی (بعنوان نتیجه اتفاق نظر ایشان)، چیزی بیش از شرکت در انتخابات است، آنچه جامعه ما را در شرایط فعلی تهدید می‌کند موضوعی است که تنها راه‌حل آن استفاده حداکثری از توانایی‌های فعال مدنی برای تغییر شرایط تصمیم‌گیری است، حضوری که جامعه را برای بازگشت عقلانیت، مدنیت و اصلاحات به بسترهای عمومی آماده می‌کند و این توان را دارد که آرامش و اعتماد را در مردم باز گرداند.

کلیت شرایط امروز ایران، بیرون از دایره اختلاف‌نظرهای حزبی و گروهی و حتی فکری و ایدئولوژیک، به گونه‌ای است که مردم را در برخی مسایل زندگی دچار سردرگمی و انبواع تعارض و عدم اطمینان کرده است، بی‌توجهی به این موضوع، به‌خصوص از سوی اقشار مطلع، جدای از اینکه تهدیدی برای همه دستاوردهای مدنی و عقلانی یکصدسال گذشته است، مسیری است که درکنکردن اضطراب عبور از آن مانند تیغی تیز عمل کرده و از یکسو باقیمانده فرصت‌ها برای ایجاد تغییر را دچار چراختی عمیق می‌کند و از سوی دیگر کمترین امکانی برای بازگشت باقی نمی‌گذارد.

نگاهی گذرا به شعار اکثر کاندیداهای ریاست‌جمهوری روشن می‌کند، نیاز به اصلاحات، ایجاد تغییر در مبانی فکری و رفتاری که منجر به عملکردی افراطی در جامعه شده، احترام به حقوق شهروندی و درک نیازهای اولیه مردم، فصل مشترک دیدگاه ایشان است، به این معنا که دقیقاً در این زمان تمام گروه‌های سیاسی که حداقلی از واقع‌گرایی عقلانی در مشنی عملی‌شان وجود دارد، به این نتیجه رسیده‌اند که نظام سیاسی و اجتماعی کشور برای حفظ اعتبار ملی باید از مسیر اصلاح و اعتدال بگذرد، اینجاست که توجه به این مهم و مشارکت در انتخابات به منزله رفتاری مدنی، به نفع فردی که نتیجه اجماع مدعیان اصلی اصلاح در جامعه است، نه‌تنها پاسخ منفی به عملکردی افراطی زیرعنوان اصولگرایی به حساب می‌آید، بلکه فرصتی است که جامعه خواهان اصلاحات می‌تواند به نفع ایجاد تغییری جدی در رویکردهای فعلی و آتی از آن بهره بگیرد، در عوض شرکت‌نکردن در انتخابات و رای‌ندان به اجماع اصلاح‌طلبان یک آری مستقیم (و فرصت) به بقای عملکردی افراطی در شرایط سیاسی و اجتماعی ایران است.

انتخابات

دولت اصلاحات، بهترین دوره فرهنگی‌ها

دوره‌های مختلفی را در طول همه این سال‌ها دیده‌ام اما از شرایطی که در این دوران پیش آمده دلگیر شدم.ام وضعیتی که امروز عرصه فرهنگ ما به آن دچار است محصول عملکرد دولت فعلی است. در حالی که در دولت اصلاحات بهترین شرایط برای اهالی فرهنگ وجود داشت. ما در زمان گذشته هم با ممیزی بی‌منطق رویه‌رو بودیم اما به واقع در دوران آقای خاتمی این مشکل از میان رفت. برخی از آثار من که در آن دوره مجوز انتشار نداشت می‌رود. با این شرایط انتظار داریم چند نویسنده به جامعه تحویل داده شود؟ واقعاً چند نویسنده بزرگ در این دوران بود. همه جامعه معرفی شده است؟ من امروز ۸۰ سال سن دارم به اهل سیاست نیستم هر چند که به یک معنا همه ما ذاتاً

شود. در قسمتی از داستاتم فردی قرار است از زندان آزاد شود و به او می‌گویند که «برو آزادی» به اعتقاد مسوول ممیزی ارشاد، «برو آزادی» باید از داستان حذف شود. برای من این سوال پیش می‌آید که چه منطقی پشت این نگاه وجود دارد؟ این فقط مشکل من هم نیست و می‌دانم که مساله‌ای همه‌گیر است. مدتی پیش یکی از ناشران می‌گفت حدود یک‌صد کتابش در اداره کتاب معطل مانده است. با این شرایط امید و شوق کار از میان می‌رود. با این شرایط انتظار داریم چند نویسنده به جامعه تحویل داده شود؟ واقعاً چند نویسنده بزرگ در این دوران بود. همه معرفی شده است؟ من امروز ۸۰ سال سن دارم

«احمد مسجدجامعی» سرلیست اهالی فرهنگ

از گره‌های فرهنگی را در این روزگار بازنگشایند. این نام‌ها بر زبان‌ها جاری می‌شد. در روزهای متوالی: فاطمه راکعی، زیبا اشراقی (امین‌پور)، افشین اعلا، مصطفی رحماندوست، عبدالحسین مختاباد، احمدرضا درویش، کمال تبریزی و… و…

سعی کردیم با صدای بلند فکر کنیم. در دیدارهایمان با دوستان، پیشنهادهایمان را می‌گفتم. به خود این دوستان که نامشان نیز، در ذهنمان بود، پیشنهادمان را بازگو می‌کردیم. برخی نپذیرفتند. برخی دیگر هم پذیرفتند و بعدها… بگذریم. اکنون «احمد مسجدجامعی» سرلیست گروهی از کاندیداهای شورای شهر است که «افشین اعلا» و «عبدالحسین مختاباد» جزو هنرمندان این گروه‌ند. سخن من در این مختصر، اظهار ارادتی به دوستی ۲۵ساله است. با او همدل و همدم و همراه بوده‌ام در شعر: افشین اعلا. کسی که از نوجوانی گام در جاده شعر زده و تکیه داده است به هنرش. با اعتقاد و باورمندی پیوند خورده. دغدغه «افشین اعلا» در شعر کودک و نوجوان و بزرگسال، مردمش بوده‌اند. او با غم‌ها و شادی‌های مردمش زیسته است. شعرهایش برای رزمندگان، شعرهایش برای بچه‌های کار، شعرهایش برای شهدا، شعرهایش برای پیامبر(ص) و حضرت مولا علی(ع) و حضرت زهر(اس) و فرزندانشان، هم‌همه‌نشانگر تعلق خاطرش به فرهنگ مردم سرزمینش بوده است.



جمال میرصادقی

وضعیت فرهنگ و انتشار کتاب در ایران سال‌های اخیر امیدوارکننده نبوده است. به‌تنهایی شش کتاب خود من در این دوران اجازه انتشار نیافتند. درحالی که من تمامی مسایل مربوط به ممیزی را می‌دانم و در آثارم رعایت می‌کنم. یکی از مواردی که در یکی از داستان‌هایم با ممیزی رویه‌رو شده را نقل می‌کنم تا موضوع روشن



سهیل محمودی

با عزیز همیشهام «ساعد باقری» نشسته بودیم و گرم گفت‌وگو بودیم. سخن به اینجا رسید که همین یک نفر، که از میان اصحاب هنر در شورای شهر تهران است، چقدر همراه بوده با اهالی ادبیات و موسیقی و کتاب و تئاتر و سینما و تجسمی و… چقدر خوب است تعداد کسانی با دلبستگی‌های «احمد مسجدجامعی» بیشتر باشند و…

که می‌دانیم شهر ما نیاز جدی به کسانی دارد که خود هنرمند باشند. که هنر اصلی‌ترین زمینه و بستر برای فرهنگ‌سازی است و این مهم گاهی در هیاهوی سیاست به فراموشی سپرده شده. صحبت از دوستانی شد که می‌توانند در جایی مثل شورای شهر به دور از تنش‌ها و جنجال‌ها سهمی شایسته برای اثرگذاری هنر داشته باشند و دلسوز باشند برای هنرمندان در این سال‌ها نشان داده که تمرکز مسئولان بر مقوله «ارزشی‌بودن» افراد باعث شده که بعضی‌ها در عرض یک هفته در ظاهر به‌گونه‌ای تغییر کنند که مناسب چنین ژوژهای باشد بلکه از این راه پست‌ها و مقام‌هایی را از آن خود کنند حال اما دیگر این واژه رنگ‌باخته و نیاز است که به‌جای آن شایسته‌سالاری مدنظر مسئولان قرار بگیرد و این‌ موضوع جز با انتخاب اصالح و انتخاب کسی که در پی ایجاد همین



عبدالعبار کاکایی

دولتی که در این هشت‌سال مستقر بود باعث بسته‌شدن فضای جامعه شد چراکه در این دوره برخی مدیران فرهنگی از طیف رادیکال‌ها ـ به‌نظر به‌پردازان افراطی بودند و این مساله باعث به‌وجود آمدن نگاهی امنیتی به حوزه فرهنگ و تمام طیف‌های مختلف



هوشنگ چالنگی

در حال حاضر به لحاظ وضعیت اندیشمندی، آنقدر وضعیت هوش و ضرب شعور سیاسی در جامعه ایران و البته جامعه جوان ما، بالاست که جوانان به راحتی می‌توانند تکلیف‌این قضیه را روشن کنند که چه دولتی کارآمد است و وزارتخانه‌ای مثل ارشاد چگونه باید با مسایل فرهنگی برخورد می‌کرده و متأسفانه در این هشت سال برخورد نکرده است.

در جامعه‌ای که حتی در مقوله فلسفه و شعر در حال پیشرفت چشمگیر و قابل ملاحظه‌ای هستیم



به «حسن روحانی» رای می‌دهم



رضا رضایی

من خود را نه یک هنرمند که فقط یک مترجم ساده می‌دانم. حرف خاصی هم اگر با دولت آینده داشته باشم، بیشتر با بخش ارشاد و وزیر آینده آن خواهد بود و این حرف هم نه یک توقع که یک جمله ساده است. وقتی یک وزیر ارشاد در رساله ملی ما همان لوئیزبون می‌گوید در عرض یک هفته تکلیف مجوز گرفتن با نگرفتن کتاب‌ها را روشن می‌کنم، بهتر است واقعاً این کار را انجام دهد. حال اگر ممیزی هم می‌کنند، بکنند اما پاسخ مولف و مترجم را زود بدهند و آدم را از بلا تکلیفی درآورند. من چون معتقدم که دولت اصلاً نباید در بخش فرهنگی دخالت کند، هیچ توقعی هم در این زمینه از دولت ندارم. اگر تنها همین بوروکراسی آرایه مجوز کتاب را به‌طور دقیق بچرخاند برای من یک نفر کافی است. من در انتخابات شرکت می‌کنم و گزینه اصلی‌ام هم دکتر حسن روحانی است، گرچه طبق معمول هیچ انتظار اجرایی از دولت آینده ندارم و فکر هم نمی‌کنم که آنچنان اتفاقی بیفتد. اما به آقای روحانی رای می‌دهم.



بهزاد قره‌یاضی

من در ۲۴ خرداد سال ۹۲ در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت می‌کنم و به آقای دکتر «روحانی» رای می‌دهم زیرا وی را فردی فرهیخته می‌دانم که سال‌های سال تصدی یک مرکز تحقیقات یعنی مرکز تحقیقات استراتژیک ایران را عهده‌دار بود و با جامعه علمی کشور انس دارد. انتظار من و جامعه بیوتکنولوژیست کشور از رئیس‌جمهور آینده این است که وی پس از تصدی مسند ریاست‌جمهوری، ترجیح‌ها را از پای بپروشد، تولید و مصرف دستاوردهای بیوتکنولوژی باز کند. انتظار ما این است که ناشایسته‌سالاری جای خود را به شایسته‌سالاری و استفاده از نخبگان علوم بیوتکنولوژی، زراعت و اصلاح نباتات، ایمنی زیستی، ژنتیک، ناؤتکنولوژی و سایر فناوری‌ها (فارغ از گرایش‌های سیاسی این نخبگان) بدهد. جایی که در عرصه علوم، فناوری و پژوهش پای سیاست و سیاست‌بازی باز شود، آن رشته محکوم به فنا خواهد بود. در هشت سال گذشته، سیاسی‌ترین افراد بی‌پهره از دانش بیوتکنولوژی، تقریباً تمامی مستندهای بدیلتی این رشته حیاتی را اشغال کرده و موجب پسرقت بیوتکنولوژی در زمینه‌های کشاورزی و محیط‌زیست شده‌اند. خواسته‌ما از رئیس‌جمهور منتخب این است که مبارزه بی‌امی را با فناوری‌ه‌راسی، دانایی‌ستیزی، خرافه‌گرایی و تمرد

گزینه من؛ ائتلاف اصلاح‌طلبان

اصول، در چارچوب قانون پایبند باشد. ما باید بفهمیم آیا قانون اساسی در چارچوب مطالبات فرهنگی قابل اجرا هست یا نه. من امیدوارم که مردم ما با هوشمندی و انتخاب درست به یک «وحدت ملی» برسند تا با یک حمایت مقتدرانه به یک دولت ملی برسیم. چراکه اکثر اقلیتی مثل ۱۸ میلیون بر سر کار آید، ما کم‌اگان دچار مشکل خواهیم بود و هر گروهی می‌تواند سبب ناکارآمدی گروهی دیگر باشد مگر اینکه مردم به یک وحدت کامل ملی برسند. امیدوارم دولتی که مستقر می‌شود دولت وحدت ملی باشد و طبق قانون اساسی



داوود غفار زادگان

قطعا رای خواهم داد. رای من کاندیدای اصلاح‌طلبان، دکتر حسن روحانی است. جامعه هنرمندان و اهالی فرهنگ ایران امیدوار است که کمی از تنش‌ها و مشکلاتی که مسئولان فرهنگی و وزارت ارشاد، در این هشت‌سال به وجود آوردند حل شود. ما در این هشت‌سال واقعاً رنج بردیم، اما واقعیت این است که ما در وضعیتی قرار گرفتیم که حتی وزارت ارشاد هم به‌شدت متضرر شده است. وقتی فرهنگ به سیاست در خدمت یک گروه سیاسی الوده شد، همه متضرر می‌شوند، حتی خود مسئولان فرهنگی ارشاد.

چرا باید شرکت کنیم؟



سید ابوالحسن ریاضی

و آینده کشور و ملتی را گشاده‌دستانه به افق مجهول و گاه تاریک، حوالت‌دادن، اگر نه رفتاری ناجوانمردانه ولی حداقل غیرمسئولانه است. در محیط مجازی گروهی بر طبل تحریم می‌کوبند. آنان گذشته را بنای استدلال خود قرار می‌دهند و انبوهی از مستندات به‌درستی مدعیانشان ارایه می‌کنند. اما آنچه رویکرد رفتارهای جدید کار دشواری است. عملکرد گذشته خود و دیگران که چشم‌انداز فردایی است که با هیچ نگاه خوش‌باورانه‌ای روشن نیست. سایه سسنگین تهدیدات داخلی و خارجی و زندگی روزمره‌ای که در شبیبه تند به نگرانی و ناامنی‌ها وهم‌انگیزی مایل است، فقدان حافظه تاریخی، چیزی است که نیازز به چالش‌های نظری ندارد؛ مدعایی است مورد پذیرش عموم. ما فرایند انتخابات سال ۸۴ را فراموش کرده‌ایم که قهر با صندوق رای به روی کارآمد نگرشی منجر شد که هزینه‌ای سنگین بر کشور و بر زندگی تکتک‌مان وارد کرد. بیاییم کمی به حافظه‌مان رجوع کنیم و خطاهای گذشته را تکرار نکنیم.

یک حرف، یک نگاه

شاید این وصلت پایدارتر باشد



بهاره رهنما

● **یک حرف:** سر صحنه سریال پژمان مثل خیلی جاهای دیگر بحث بر سر انتخابات داغ است، کار به جایی می‌رسد که یکی از همکاران می‌گوید عزیزان لطفاً آنهایی که می‌خواهند رای بدهند، به آنهایی که نمی‌خواهند رای بدهند زور نگویند و برعکس. نتیجه دموکراتیک خوبی برای پایان‌دادن به یک بحث بی‌سرانجام و برگشت به فضای فیلمبرداری است، ولی مغزم هنوز هم دارد روی تکت تکت کلمات بچه‌ها و دوستانم کار می‌کند، تفاوت فضای اسمال و فضای آخرین انتخاباتی که تجربه کردیم تفاوت فضای یک وصلت عاشقانه با یک ازدواج بی‌سروصدا و از روی مصلحت است، به‌رای‌ندان اعتقادی ندارم چراکه معتقدم اگر پذیرفته‌ام که در این کشور زندگی کنم، نمی‌توانم نسبت به شرایط سیاسی و اجتماعی اطرافم بی تفاوت باشم، هر اتفاقی هم که بیفتد من به عنوان یک فرد در قبال وجدان خودم مسوول صندوقی بیفتد که همان یک صندوق دچار ساحه آتش‌سوزی یا سبل یا صاعقه بشود باز پیش خودم سهم خود را ادا کرده‌ام و بی تفاوت نبوده‌ام، انتخاب یک مسوولیت اجتماعی است مگر بپذیرم که آدم بی تفاوت و مسوولیت‌گریز و بی‌اعتقایی به وجود وجدان اجتماعی و هنوز اندکی پاک هستم، می‌روم تحقیقات که ببینم چه بکنم. از مناظره‌های شکل بازجویی هم چیزی نمی‌فهمم انتخاب‌ها و افراد عجیب نزدیک هم به هم و دور از امیدها و آرزوهای شخصی من برای جوانان کشورم هستند با مسوولان دو نفر از کاندیداهای مذکره می‌کنم، مدیریت اجرایی یکی و اندیشه‌مداری دیگری برایم جذاب است چیزی که می‌دانم این است که می‌خواهم مسوولیت‌م را انجام دهم و میلی به حضور میدانی و تبلیغات‌نمایان برای هیچ‌کدام را ندارم، با خودم لچ کرده‌ام، می‌گویند این‌بار اگر چنین حضوری را انتخاب کنم به شکل یک کار به آن نگاه می‌کنم، ولی نمی‌توانم جنس من نیست همان بهتر که در سکوت مسوولیت‌م را انجام دهم، این وسط صحبت از ردصلاحیت مجدد یکی از نامزدها می‌شود، شوکه می‌شوم بعد تکذیب می‌شود، فردا مرد نازنینی که سال‌هاست به شعور سیاسی و وطن پرستی‌اش ایمان دارم پیامک می‌دهد:

یک پرچم ایران در لابه‌لای آشک‌هایم نمایان می‌شود و صفحه موبایل می‌تار می‌کند، پیامک خیس می‌شود حالا فقط می‌دانم که به چه نامی رای می‌دهم ولی از شما چه پنهان حال عروسی را دارم که با مصلحت‌اندیشی به خانه بخت می‌رود خدا داند شاید چنین وصلتی پایدارتر باشد اما هنوز هم ته دلم برای عاشقی غنچ می‌زند. **یک نگاه:** من هم کم کلنجا گرفتارم اما رای بدهید حتی با ناامیدی اما انتخابشان را دور نپندارید، رای می‌دهیم، مگر نه؟

یادداشت سه

چرا رای ندهم؟



حمید سوریان

● وقتی که می‌توانیم سرنوشت چهارسال آینده خود را با شرکت در انتخابات رقم بزنیم چرا نباید این کار را انجام دهیم. اگرچه پروسه انتخاب فرد اصالح سخت و تصمیم‌گیری برای انتخاب یک نفر از میان گزینه‌های باقیمانده، کار چندان آسانی نیست اما باید بپذیریم که آسان‌ترین راه برای ساختن آینده‌مان همین کار است. به عنوان یک ورزشکار که سرباز کشور و نظام خود به حساب می‌آیم در اولین ساعات‌های روز جمعه به پای صندوق رای می‌روم تا مردم کشور را هم تشویق کنم در انتخابات شرکت کنند. این کار به دنیا‌شان خواهد داد که ایرانی‌ها امید دارند و عاشقانه برای آینده کشور خود، تمام سعی‌شان را انجام می‌دهند. از سوی دیگر چنین رویه‌ای می‌تواند قدم مهمی در راه خلق حماسه سیاسی‌ای باشد که رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی خود به آن اشاره کردند. در روزهای باقیمانده هر ایرانی وظیفه دارد که اصالح‌ترین کاندیدار ادر میان شش نامزد باقیمانده انتخاب کند تا سطح امید به ساختن آینده در روزهای بعد، بیشتر و بیشتر شود. رئیس‌جمهور جدید نیز باید بداند که در نهایت، مردم از او ایجاد آرامش و امنیت و افزایش سطح رفاه و معیشت را خواستار هستند. کشور ما در حال حاضر در بحث سیاست خارجی با چالش‌های جدی مواجه است که در چنین شرایطی رئیس‌جمهور آینده باید با یک روش عملی درست، در این زمینه راهگشا باشد. از رئیس‌جمهور بعدی هم تقاضا دارم به عنوان یک ایرانی تدابیری بیندیشد که منفعت عمومی را مدنظر داشته و چالش‌های پیش‌رو در زمینه‌های اقتصادی و سیاست خارجی را برطرف کند. اگر ما روز جمعه پای صندوق‌های رای برویم، در این ساززندگی، خودمان را همراه با رئیس‌جمهور منتخب می‌دانیم و می‌توانیم امید داشته باشیم که حماسه اقتصادی نیز با همین همگرایی قابل دستیابی‌باشد.